



سفر رهبری به قم و جمران

روز گذشته همزمان با مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در عمان؛ رهبری به قم و جمران سفر کرده و به حرم حضرت معصومه و مسجد جمران رفتند.



ناهنجاری اجتماعی و جرائم مشهود

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه طی سخنانی در نشست با وزیر کشور و معاونین این وزارتخانه، با اشاره به ضرورت اولویت‌بندی موضوعات و رسیدن به اشتراک نظر در میان قوا و کارگزاران نظام جهت تحقق جامع و کامل شعار سال و همچنین غلبه بر مشکلات مزمن، گفت: «ضرورت‌ها ایجاب می‌کند که برای اتخاذ راهکارهای عملیاتی جهت غلبه و تفوق بر مسائل و مشکلاتی که مزمن شده‌اند، اولویت‌ها را تعیین کنیم و معیار اولویت‌بندی‌ها را نیز مشخص گردانیم.» رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به اهمیت التزام و تبعیت همگان از مژ قانون و اجرای بدون تنازل و بدون تبعیض قانون در قبال همگان تصریح کرد: «قانون باید برای همگان فصل الخطاب باشد و همگان باید خود را ملزم به رعایت تمام و کمال قانون بدانند؛ وقتی امر و رویه‌های منطبق با موازین قانونی است، همه باید از آن تبعیت کنند؛ این اصل باید در ذهن همگان نهادینه و تثبیت شود که قانون در کشور ما بدون تبعیض اجرا می‌شود. قطعاً اجرای تبعیض آمیز قانون سبب ناامیدی و دلخوری عناصر دلسوز و خیر خواه کشور و همچنین طمع‌پوزی معاندان می‌شود.» رئیس دستگاه قضا با اشاره به مقوله مهم مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی گفت: «برخی ناهنجاری‌های اجتماعی در زمره «جرائم مشهود» است و قانون تکلیف دستگاه‌های مسئول را در این حوزه مشخص کرده است؛ من طی حدود سه سال اخیر مکرراً به نهادهای مسئول متذکر شده‌ام که وفق قانون موظف و مکلف به برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم مشهود هستند.»



اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهوری در حاشیه آیین تجلیل از خادمان سفرهای نوروزی و در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره توصیه‌اش به نخبگان سیاسی در خصوص مذاکرات ایران و آمریکا، خاطرنشان کرد: «فرهنگ ما نشان داده است که اهل گفت‌وگو هستیم. خوشبختانه در روند پیگیری شده در دولت چهاردهم احساس مردم و نخبگان کشور این است که شرایط برای گفت‌وگو غیرمستقیم فراهم شود و نشان دهیم باز هم تحمل می‌کنیم و اتفاقات گذشته و اقدامات خشن و بد و نادرست در قبال ایران و دنیای اسلام را فراموش نمی‌کنیم اما اهل مذاکره و گفت‌وگو هستیم.» معاون اول رئیس جمهور با بیان اینکه در مذاکره طرفین به دنبال حق و حقوق خودشان هستند، ادامه داد: «از نخبگان و رسانه‌ها انتظار داریم برخی تحلیل‌های غیرواقعی را کنار بگذارند که البته باید اخبار این مذاکرات را پیگیری کنند اما گاهی از برخی تحلیل‌ها تعبیب می‌کنیم و از این عزیزان درخواست داریم با کمی تأمل اخبار را از دستگاه‌های اصلی دریافت کنند.» عارف همچنین تأکید کرد: «اصلی‌ترین دستگاه برای ارائه اخبار و اطلاعات در خصوص مذاکرات وزارت امور خارجه است که مرجع اصلی مذاکره است و بر اساس اخباری از این مرجع رسمی می‌توانند تحلیل کنند و به تیم مذاکره کننده در دفاع از حقوق ملت کمک کنند که ابتدایی‌ترین حقوق ملت، رفع تحریم‌های ظالمانه است.»

من چریک نیستم؛ از تولد تا انقلاب

بهر روز گرانیپایه

نویسنده کتاب «من چریک نبودم»

در صحبت‌های خودم درباره اینکه چرا به سمت نوشتن خاطرات رفتم و چه عواملی در این مسیر موثر بوده است و چگونه این کتاب را با کمک راهنمایی‌هایی که از دوستان گرفتم نوشتم، توضیحاتی خواهم داد.

اینکه چه چیزی باعث شد به سمت نوشتن خاطرات بروم، امر عجیبی نیست؛ هر چند که در ایران این کار خیلی مرسوم و متداول نیست، اما در فرنگ این امری متداول و نهادینه است و اقدامات و خاطرات رویدادهایی که رخ می‌دهد ثبت می‌شود. مهمترین دلیل این موضوع این است که خاطرات منجر به انباشت دانش بشری می‌شود و می‌تواند مورد استفاده نسل‌های بعد قرار گیرد. در کشور ما نیز کتاب‌های خاطراتی موجود است، از ناصر خسرو گرفته تا خاطرات آقای هاشمی‌رفسنجانی اما معمولاً بزرگان و رجال و افرادی که در منشأ تحول و رویدادی بودند خاطرات

تجمع شده ندارند و انتظار بر این بود که خاطرات خود را بنویسند و نقش آنها در خداداد یک تحول و دگرگونی مشخص شود. اما امروزه گرایش‌های جدیدی در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی به وجود آمده است که باید به جز خاطرات بزرگان و شخصیت‌ها، به خاطرات نسل‌های پایین‌تر و توده عامه جامعه نیز توجه شود؛ اینها در کنار هم است که می‌تواند بخشی از واقعیت‌ها و مناسبات اجتماعی را در دوران‌های مختلف به تصویر بکشد و اطلاعات اجتماعی بشر را از مناسباتی که در هر دوره حاکم بوده است مشخص کند.

دو عنصر با جنبه عینی در زندگی من وجود داشت که بستری برای نوشتن خاطراتم بود و یک عامل انگیزشی نیز در این ماجرا اثرگذار بود. من در سیر زندگی‌ام از کودکی درگیر فعالیت‌هایی برای کسب درآمد و شغل بودم و دوران‌های متنوع و گسترده‌ای از فعالیت و حضور در مناسبات جمعی را تجربه کردم. پنج‌ساله بودم که پادوی مغازه بقالی بودم، در شش‌سالگی پادوی مغازه خیاطی عموی خودم شدم، در هشت‌سالگی

شاگرد خرازی شدم و در مجموع فضاهای مختلفی را از دوران کودکی تجربه کرده‌ام. از طرفی به این دلیل که از نظر خانوادگی و موقعیت اقتصادی از طبقه متوسط رو به پایین جامعه بودیم، و پدرم با وجود اینکه فردی تحصیلکرده و روشنفکر بود اما به دلیل اعتیاد، فرصت‌های شغلی خود را از دست می‌داد و خانواده ناگزیر بود فرزندان را نیز وارد چرخه تولید درآمد کند. مادرم کیسه آرد می‌دوخت و ما باید کیسه‌ها را تحویل می‌دادیم، با برادرم دستفروشی می‌کردیم و کبریت می‌فروختیم، بزرگتر که شدیم پدرم حسابدار یک شرکت شد و او من را با خود به محل کار می‌برد و من به بچه‌های کارفرماها درس می‌دادم و حضور و غیاب کارگران و کارکنان را هم انجام می‌دادیم. سپس وارد دانشگاه شدم و در ادامه فعالیت‌های سیاسی را نیز آغاز کردم و در آن دوران ساواک به تعقیب من پرداخت و بازداشت شدم. در زندان و مسائلی که در آنجا وجود دارد، فعالیت‌های زندان و جناح‌بندی‌ها و گروه‌های مختلفی که حضور دارند، مسائل خاص دیگری بودند که با آنها مواجه شدم. قصدم از مطرح کردن این موضوعات اشاره کردن به این مسئله است که در زندگی با سوزها و موضوعات مختلف از نظر شغلی، حرفه‌ای و فعالیت‌های سیاسی مواجه بوده‌ام. پس از انقلاب نیز درگیر فعالیت‌های دانشجویی به صورت منظم شدم اما خیلی زود به دلیل مسائل سیاسی و گرایش پیدا کردن به جنبش مسلمانان مبارز بین نیروهای دانشجویی فاصله ایجاد شد و دوره دوساله پیوستن به جنبش و گسستن از جنبش رخ داد. در سال ۱۳۵۸

روایت متفاوت از انقلاب

بررسی خاطرات سیاسی بهروز گرانیپایه از مبارزات انقلابی تا جنبش مسلمانان مبارز



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

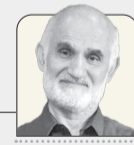
«من چریک نبودم» آخرین کتاب بهروز گرانیپایه، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اهل شیراز است که توسط نشر «اگر» منتشر شده است. وی در این

برجسته‌ای در امر مبارزه و فرهنگ حضور داشتند؛ از جمله شهید دیباج، شهید ساسان سلیمان، مرحوم شادبختی، احمد توکلی، اکبر توکلی، حدادی، آقای صابری و... که از جمله چهره‌های شاخص از نظر اجتماعی و سیاسی بودند و باید درباره آنها نوشته شود. خود من هر چند با تاخیر تلاش کردم این کار را شروع کنم و تاریخ شفاهی آموزش عالی را در دوره دهساله‌ای که مسئولیت داشتم با یک کار جمعی در چهار جلد آماده کردیم، یا انتخابات سال ۱۳۸۴ را که یک نقطه عطف تاریخی است، با چشم خود دیدم که به صورت مرتب جعل تاریخ اتفاق می‌افتد؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی هزار و ۲۰ عنوان کتاب بیرون داده است و معلوم نیست با چه اساس و پژوهش و مطالعه‌ای، آیا پژوهش‌های علمی و بی‌طرفانه بوده و با با اهداف و دلایل خود آنها را نوشته‌اند؟ ایندگان می‌خواهند چه منابعی داشته باشند که درباره تاریخ و کشور خود شناخت بهتری پیدا کنند؟ این شناخت که با جعلیات به دست نخواهد آمد، این امر در نهایت منجر به بی‌هویتی خواهد شد. با وجود آنکه خاطرات من یکی دوبار هم به سرقت رفت، اما من کوتاه نیامدم و بالاخره روایت سال ۱۳۸۴ در نشر «اگر» در اواخر دولت روحانی آن را منتشر کرد؛ هر چند اتفاقاتی که رخ داد و برخی خاطرات سانسور شده است اما در هر صورت روایت‌های درست محفوظ مانده است. چند نفر از مسئولانی که در دولت آقای خاتمی و هاشمی با من همکاری بودند خاطرات خود را نوشتند و به نقد بی‌طرفانه دوران مسئولیت خود پرداختند؟ خیلی کم و شاید حداکثر یک یا دو نفر این کار را کرده باشند و نیاز است که این داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شود و برای این کار باید به آقای گرانیپایه تبریک گفت. در همین استان فارس نیز کسانی که حضور دارند و مسئولیتی داشتند باید نوشتن را شروع کنند و الزاماً نیاز نیست که مسئولیت در سطح ملی داشته باشند و کار خود را انجام دهند. انواع و اقسام مکتوبات از زندگی نامه گرفته تا نقد مسائل

می‌کنم، بعضی جاها تکرار موضوع کمی پرش فکری ایجاد می‌کند برای مخاطب و دوباره فکر می‌کند که نکته‌ای را جا انداخته است. کتاب‌هایی که آقای گرانیپایه ترجمه کردند، بسیار با ارزش است و حتماً باید به آنها اشاره کرد. اینکه چرا اسم برخی از افراد و مراسم‌ها را در کتاب ذکر نکردند برای من جای سوال داشت؛ برای مثال ابوذر ورداسبی زمانی که به شیراز آمد یکی از جلسات خیلی موثر را برگزار کرد. برای من مهم بود که چرا گفتند «من چریک نبودم» الان این سوال را می‌پرسم که آیا شما الان چریک هستید که اسم کتاب‌تان را گذاشتید «من چریک نبودم»؟ یا اینکه در گذشته چریک بودید؟ به اعتقاد من چریک فردی از خود گذشته است که با تمام وجود و توان

هاشمی برای مثال بوده که البته خیلی مختصر و جهت‌دار هم بوده است که البته در هر صورت ارزشمند است و زمانی که به این خاطرات مراجعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در گذشته چه اتفاقاتی رخ داده است. نوشتن خاطرات، آگاهی سیاسی و اجتماعی جامعه را افزایش می‌دهد و قدرت تحلیل و توانمندسازی جامعه را بالا می‌برد و این جزو مسئولیت‌هایی است که اگر نگویم همه مردم اما به خصوص مسئولیت مسئولان، نخبگان و اندیشمندان جامعه است. خاطرم هست که رابین علمی ما آقای دکتر شمس می‌گفت هر انگلیسی هر روز یادداشت روزانه دارد. در زمانی که ما به مدرسه می‌رفتم می‌گفتند هر انگلیسی سالانه ۲۵ کیلو روزنامه می‌خواند و به همین دلیل است که به سیاست‌های جهانی آگاه هستند چرا که دائم در حال مطالعه هستند. اولین سوره قرآن این است که بخوانیم، بنویسیم و یادگیریم؛ ما چقدر این کار را انجام می‌دهیم؟ این کار بسیار پایین است و می‌داند که وقتی ما نمی‌نویسیم، دیگران برای ما می‌نویسند. برای مثال در مورد دانشگاه شیراز و دوران پهلوی باید موضوعات بسیاری نوشته شود، آقای گرانیپایه درباره سال‌های ۱۳۵۳ و بعد از آن نوشتند اما قبل از آن چه؟ در دوران خود ما که در سال ۱۳۴۸ بودیم، شخصیت‌های

خطر تکرار دوران‌های پرخطر در نبود تاریخ شفاهی موثق



مصطفی معین

وزیر علوم دولت اصلاحات

معنای چریک تنها به این معطوف نمی‌شود که فرد مبارزه مسلحانه انجام دهد، و زندگی آقای گرانیپایه از دوران طفولیت گرفته تا نوجوانی، جوانی و دانشجویی و پس از آن چریک‌وار بوده است. ایشان چه در قیل از انقلاب و چه پس از آن چریک فرهنگی، چریک اجتماعی، چریک ادبی و چریک سیاسی بودند. اما در این گفتار می‌خواهم درباره اهمیت خاطره‌نویسی و نوشتن زندگی‌نامه و یادداشت‌های روزانه صحبت کنم که امری بسیار ارزشمند است اما در کشور ما بسیار ضعیف بوده است. فرهنگ تاریخی ما فرهنگ شفاهی و نه مکتوب بوده است و حتی تاریخ باستانی ما را کسان دیگری می‌نوشتند و این خیلی بد است چرا که با نگاه خود می‌نوشتند ما از این نظر ضعف تاریخی داریم که کمابیش ادامه نیز دارد. برای مثال بین مسئولان ما چند نفر خاطرات خود را نوشتند؟ آقای

گرانیپایه چریک مبارزه مسلحانه نبود

تصمیم گرفتم که کاملاً انتقادی به این کتاب نگاه کنم و سخت‌گیری‌های معلمی را در آن لحاظ کنم و همین کار نیز باعث می‌شد که مطالب را عمیق‌تر درک کنم. کار بسیار سختی است که آدم بخواهد در ارتباط با زمان کودکی‌اش و با این فاصله زمانی بنویسد. از نظر من شاید مقداری به این دلیل که با نگاه نقد صحبت



مهوش علیزاده

فعال سیاسی